



در مورد این که گفته شده کلمه "مولي" به معنای ولي و سرپرست نیست بلکه منظور از مولي چیز دیگری است باید گفت، آنچه مسلم است این است که در خطبه غدیر پیامبر اکرم - صلي الله عليه و آله و سلم این جمله مشهور را ایراد فرمودند: "من كنت مولاه فهذا علي مولاه" یعنی هر که من مولاي اویم، این - علي بن ابي طالب نیز مولاي اوست. مسلمانان جملگی این حدیث را به نحو متواتر نقل کرده‌اند اما در دلالت آن بر امامت اختلاف کرده‌اند. در این مختصر می‌کوشیم تا زوایای معنایی "مولي" بررسی گردد تا ابهام آن مرتفع و حقیقت امر روشن شود، اما پیش از آن بیان مقدمه‌ای ضروری است و آن این که باید دانست همان طوری که در زمان رسول الله امور امت و رتق و فتق آن به دست آن جناب اداره می‌شده، به طور مسلم و بدون هیچ ابهامی پس از درگذشت وی نیز شخصی لازم است که این امر مهم را عهده دار باشد. هیچ عاقلی به خود اجازه نمی‌دهد که توهم کند دینی چنین وسیع و عالم گیر، دینی که از طرف خدای جهان، جهانی و ابدی اعلام و معرفی شده است... احتیاج به حافظ و کسی که بتواند آن طور که شاید و باید آن را نگهداری کند ندارد؛ و یا توهم کند که مجتمع اسلامی استثناء و بر خلاف همه مجتمعات انسانی بی نیاز از والی و حاکمی است که امور آن را تدبیر و اداره نماید، کیست که چنین توهمی بکند؟! حال اگر کسی چنین توهمی کرد، جواب کسی را که از سیره رسول الله بپرسد چه می‌گوید؟! زیرا رسول الله سیره اش بر این بود که هر وقت به عزم جنگ از شهر بیرون می‌رفتند کسی را به جانشینی خود و به منظور اداره امور اجتماعی مسلمین جای خود می‌گذاشتند؛ کما این که علي بن ابي طالب - علیه السلام را در جنگ تبوک جانشین خود در مدینه قرار دادند... و هم چنین آن حضرت در شهرهایی که آن روز به دست مسلمین

فتح شده بود مانند مکه و طائف و یمن و امثال آن‌ها جانشینان و حکامی نصب می‌فرمود و نیز بر لشکرها چه کوچک و چه بزرگ که به اطراف می‌فرستادند امرا و پرچمدارانی می‌گماردند، این بوده است رفتار رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - در ایام حیات خود، و چون در این مسئله یعنی اهتمام به حفظ نظم و تدبیر جامعه اسلامی فرقی بین آن زمان و زمان پس از رحلت آن جناب نیست، از این رو باید برای زمان غیبت خود هم فکری بکند و شخصی را برای اداره امور امت تعیین بفرماید، بلکه احتیاج مردم به والی در زمان غیبت آن جناب بیشتر است از زمان حضورش؛ و با این حال چگونه می‌توان تصور کرد که آن جناب برای آن روز مردم هیچ فکر نکرده باشد؟! (1) با بیان این نکته، حال می‌پردازیم به تبیین معنای "مولی". گرچه بسیاری از نویسندگان اهل سنت اصرار دارند که "مولی" را در اینجا به معنی "دوست و یار و یاور" تفسیر کنند زیرا یکی از معانی معروف مولی همین است، ما هم قبول داریم که یکی از معانی مولی دوست و یار و یاور است. ولی قرائن متعددی در کار است که نشان می‌دهد "مولی" در حدیث مذکور به معنی "ولی" و "سرپرست" و "رهبر" می‌باشد؛ این قرائن به طور فشرده چنین است:

1. مسئله دوستی علی - علیه‌السلام با همه مؤمنان مطلب مخفی و پنهان و پیچیده ای نبود که نیاز به این همه تأکید و بیان داشته باشد و احتیاج به متوقف ساختن آن قافله عظیم در وسط بیان خشک و سوزان و خطبه خواندن و گرفتن اعتراف‌هایی پی در پی از جمعیت داشته باشد. قرآن با صراحت می‌گوید: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...". (2) مؤمنان با همدیگر برادرند. خلاصه این که اخوت اسلامی و دوستی مسلمانان با یکدیگر از بدیهی‌ترین مسایل اسلامی است که از آغاز اسلام وجود داشت و پیامبر بارها آن را تبلیغ کرد و بر آن تأکید نهاد؛ به علاوه مسئله اخوت مسئله ای نبوده که با این لحن داغ در آیه بیان شود و پیامبر از افشای آن خطری احساس کند.

2. جمله "الست اولی بکم من انفسکم" آیا من نسبت به شما از خود شما سزاوارتر نیستم! که در بسیاری متون این روایت آمده هیچ تناسبی با بیان یک دوستی ساده ندارد، بلکه می‌خواهد بگوید: همان اولویت و اختیاری که من نسبت به شما دارم و پیشوا و سرپرست شما هستم برای علی - علیه‌السلام ثابت است و هر گونه تفسیری برای این جمله، غیر آنچه گفته شد، دور از انصاف و واقع بینی است، مخصوصاً با توجه به تعبیر "بکم من انفسکم" از شما نسبت به شما اولی هستم.

3. تبریک‌هایی که از سوی مردم در این واقعه تاریخی به علی - علیه‌السلام گفته شد، مخصوصاً تبریکی که عمر و ابوبکر به او گفتند، نشان می‌دهد مسئله چیزی جز مسئله نصب خلافت نبوده است که در خور تبریک و تهنیت باشد زیرا اعلام دوستی که برای همه مسلمانان به طور عموم ثابت است، تبریک ندارد. (3)

علامه حلی (ره) در این حدیث در تبیین لفظ "مولی" می‌فرماید:

"وجه استدلال به این حدیث آن است که لفظ "مولی" بیانگر نوعی اولویت و سزاواری است؛ چون مقدمه حدیث بر این امر دلالت دارد و چون عرف لغت و نیز استعمال، همین را اقتضا دارد، به خاطر سخن خداوند: "...النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ...". (4) یعنی آتش سزاوارتر به ایشان است، و سخن أخطل که گفت: "أصبحت مولاها من الناس کلهم؛ از میان همه مردم، من به او سزاوارتر شدم". "مولای بنده" یعنی کسی که به تدبیر امور بنده و تصرف در آن سزاوارتر است. و به خاطر آن که مولی دارای معانی متعددی است که هیچ یک از آن‌ها در اینجا مراد نیست، جز معنای "سزاوارتر". و به خاطر آن که "سزاوارتر" یا همه مراد از لفظ "مولی" است و یا بخشی از آن است و نمی‌توان پذیرفت که

این معنا به هیچ وجه مراد نباشد، زیرا مولی، حقیقت در این معناست و اراده غیر این معنا ثابت نشده است". (5)

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم به جهت اهمیت مسئله ولایت از همان ابتدا سرپرستی امت را مهمل نگذاشته، آن‌چنان که نه تنها در غدیر بلکه در طول بیست و سه سال بعثت خود در موقعیت‌های گوناگون مسئله ولایت و جانشینی امام علی - علیه السلام را به گونه‌های مختلف به مسلمین گوشزد نموده که از جمله آن‌ها حدیث یوم الدار، حدیث منزلت، حدیث سفینه نوح، حدیث جابر و صدها حدیث دیگر است که حدیث غدیر در آن اجتماع عظیم حسن ختام این انتصاب بود.

بنابراین منظور پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم از مولا، ولی و سرپرست امت اسلامی است و با توجه به شواهد و قرائنی که گفته شد جز این معنا، معنای دیگری برداشت نمی‌شود.

برخی از منابع و مآخذ شیعی و اهل سنت که اسناد غدیر در آن ذکر شده است؛

منابع شیعه

1. اثبات الهداه شیخ حر عاملی، ج 2، ص 200 - 250.
2. الطرائف سید بن طاووس، ص 33.
3. عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی.
4. الغدیر، علامه امینی.

کتاب‌های اهل تسنن:

1. صحیح مسلم، ج 45، ص 1873.
2. تفسیر فخر رازی، ج 3، ص 636.
3. الارشاد، ص 420.
4. سنن، ابن ماجه.